

فریبرز لاچینی :

بی خبری از تازه‌های سینما



به منتقدان آگاه در زمینه موسیقی
فیلم نیاز داریم.

۱ - مجلات و هفته‌نامه‌های سینمایی ما جدا از بخشهایی که امروزه دارا هستند، مانند تحلیل و تفسیر و نقد فیلمهای اکران شده، بررسی فیلمهای خارجی، گفت و گو با چهره‌های شناخته سینمایی ما و گاه سینمای غرب؛ می‌باید بخشهای تازه‌ای را ارایه بدهند که امروزه جای آنها در صفحات نشریات خالی است. از جمله آنها، تحلیل و تفسیر و خبرهایی درباره سینمای جهان سوم؛ به ویژه سینمای آمریکای لاتین و نیز سینمای آسیا. هنگامی که سینمای هنگ کنگ، پرده‌های سینمای اروپا و آمریکا را تسخیر کرده بود، خوانندگان ایرانی هیچ شناخت و آگاهی از این سینما، اثرات آن، ریشه‌های پیدایی و کیفیت کار را نداشتند. حال آنکه صفحات نشریه‌های غرب، حتی نشریه‌های سینمایی آن سامان به کدو کاو و تحلیل در این زمینه می‌پرداختند. ما از سینمای آمریکای لاتین، از سینمای اسپانیا و چهره‌های پیشرو سینمای آن سامان بی‌خبریم. از نامداران سینمای آفریقا، سنگال و نیجر و ... کمتر می‌خوانیم. توجه صرف به سینمای اروپا و هالیوود و نگاه ندوختن به سینمایی که از آن سخن رفت که به گونه‌ای با ما نزدیک است ما را بی‌خبر از نگرش و دیدگاه فیلمسازان آن می‌کند. جدا از آن در مجلات و هفته‌نامه‌های سینمایی ما از صنعت و تکنولوژی پیشرفته امروز سینما، حضور غافلگیرکننده و پررنگ کامپیوتر در هر زمینه‌ای از سینما، از تدوین، فیلمبرداری، ظهور، مراحل فنی و تکنیکی دیگر گرفته تا ساخت یک اثر، هیچ اشاره و نشانه‌ای نیست که این خود یک نقیصه بزرگ است. ما از تازه‌های جلوه‌های بصری ویژه، از رهاوردهای کامپیوتر در این زمینه، در نشریات سینمایی هیچ نمی‌خوانیم و این برای یک خواننده ایرانی که دسترسی به نشریات سینمایی جهان ندارد یک کمبود و نقصان بزرگ است. شنیده‌ایم که در پهنه سینمای علمی - تخیلی، عصری تازه آغاز شده است. عصر نوآوری و پیدایشی‌های خیره‌ساز و شگفت‌انگیز گذشته از اینها، در زمینه آموزش تکنیک و فن سینما به عنوان یک حرفه، همچنین آموزش شیوه‌های هنری، هیچ نشانه‌ای در نشریات سینمایی ما نیست که این خود نقصان بزرگی است. نه اینکه این بخش، سهم عمده‌ای از صفحات یک نشریه را پر کند. نه صرفاً در حد یک نگاه گذرا و به دور از پرداخت به تفصیل، غنیمت است.

۲ - با تأسف برخورد و نقد نشریات سینمایی در زمینه تخصص ویژه من که ساخت موسیقی برای فیلم است به دور از تحلیل علمی با تکیه بر شناخت و باور اساسی و تخصصی در این زمینه است. اگر یک فیلم بررسی و به گونه‌ای علمی و تکنیکی تحلیل و نقد می‌شود، در حاشیه، برای خالی نبودن عریضه، نگاهی از گوشه چشم هم به موسیقی آن انداخته می‌شود که غالباً در چند جمله خلاصه می‌شود و گاه نگاهها، یکنواخت، یکسان و تکراری است که موسیقی بر فیلم سوار بود، که موسیقی توان همراهی و هماهنگی با ساختار اصلی و اساسی فیلم را نداشت و ... در نقدهای سینمایی به سختی به نقدی برخوردیم که صرفاً موسیقی یک فیلم را تحلیل و تفسیر و نقد کند. همواره نگاه منتقد که باز همیشه به ساختار و چارچوب داستان یا حال و هوای تکنیکی توجه دارد، به دور از موسیقی فیلم است. طبیعی است با توجه به آنکه موسیقی فیلم در سینمای ما هنری جوان و تازه است، نگاه به آن نیز نیاز به اصول و اساس شناخته و طبقه‌بندی شده دارد. ■